



حضور و مشارکت سیاسی زنان در ایالات متحده امریکا

■ زهرارضایی ■

جهت مشارکت را نمی دهد. این در حالی است که رابطه ای مثبت میان استقلال اقتصادی و مشارکت سیاسی وجود دارد.

۴- عدم آگاهی سیاسی در مقایسه با مردان، زنان را از درک مسائل سیاسی روز دور می سازد، این در حالی است که آگاهی سیاسی برای زنان نوعی مشارکت محسوب می شود.

مجموعه این عوامل باعث شده است، زنان از سیاست دور بمانند و اینگونه تصور شود که زنان نسبت به سیاست بی تفاوت هستند، محافظه کارند و بیش تر تمایل دارند در رفتار سیاسی از شوهرانشان پیروی کنند. در صورتی که بی تفاوتی سیاسی زنان لازمه تداوم نظام اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جنسی مردسالارانه است و انفعال سیاسی زنان تنها نتیجه منطقی سلطه مردان بر زنان است.

همان طور که بیش از این نیز گفته شد، حتی در کشورهایی نیز که سوابق طولانی دموکراسی داشته اند، زنان به نسبت مردان از حضور کم تری برخوردار بوده اند. در نگاهی به وضعیت مشارکت زنان در امریکا، این نکته به خوبی قابل مشاهده است.

قانون اساسی امریکا که در ۱۲ سپتامبر ۱۷۸۸ به تصویب رسید در مبحث رأی دادن اشاره ای به جنسیت نکرده است ولی عملاً در سال ۱۹۲۰ پس از جنگ جهانی اول بود که زنان امریکائی توانستند در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند. پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی و ایجاد شرایط خاص در کل جهان به ویژه در امریکا، زنان به تدریج توانستند وارد اکثر نهادهای سیاسی شوند به نحوی که امروزه پست های

از آن جاکه همواره زنان نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می دهند، چنین انتظار می رود که این نیروی بالقوه گسترده با مشارکت بالفعل خود در طیف فعالیت های متنوع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی همگام با مردان چرخ های جامعه را به حرکت در آورد. اما، غالباً در طول تاریخ، فهرست ها و امکانات حیات اجتماعی برای زنان به نحوی توزیع نشده است که آنان به راحتی بتوانند همدوش مردان در صحنه های زیست جمعی حاضر گردیده و بدون محدودیت های جنسی به ایفای نقش بپردازند.

حضور کم رنگ زنان در عرصه سیاست حتی در کشورهای پرچم دار دموکراسی نیز دیده می شود. حضور چند زن به تعداد انگشتان دست در پست های وزارت دلیلی بر مشارکت همه جانبه آنها نیست، هر چند همین حضور کم رنگ می تواند مقدمه مشارکت های بیش تر زنان باشد. به طور کلی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان را می توان در چند مورد خلاصه کرد:

- ۱- شرایط فرهنگی و تاریخی: جامعه پذیری زنان با ارزش های سیاسی مثل انحصار سیاست توسط مردان باعث می شود به زنان فقط به عنوان همسر و مادر نگریسته شود و آن هادر حاشیه زندگی سیاسی قرار بگیرند.
- ۲- مسئولیت زنان در امور خانه فرصت های کافی برای حضور در جامعه را از زنان می گیرد. زنان ترجیح می دهند وقتی فرزندشان تازه متولد شده در کنار او باشند تا بیرون از خانه به فعالیت های سیاسی بپردازند.
- ۳- موقعیت ضعیف اقتصادی و اجتماعی زنان به آن ها امکانات لازم



بسیار مهمی در زمینه های سیاسی و اجتماعی را احراز نموده اند. در امریکا با وجود این که ۵۲ درصد از رأی دهندگان زن می باشند ولی زنان در صد کمی کرسی های نمایندگی و هم چنین کابینه وزارت را دارا هستند. طبق آمار، زنان ۱۰ درصد کل کنگره و ۱۵ درصد از مقام های وزارت را دارا می باشند که در مقایسه با بعضی از کشورهای اروپایی سطح پایین تری را نشان می دهد. در سطح وزارت، ۲۷۱ درصد پست ها را زنان اشغال نموده اند و در سطح پایین تر از وزارت ۳۰٪ درصد مناصب را زنان در اختیار دارند. در سطح شهرداری ها ۱۶ درصد شهرداران زن هستند. در سمت های معاونت و مشاورین شهرداری ها نیز زنان ۲۱ درصد صاحب مناصبان را تشکیل می دهند.^(۱)

در سطح وزارت ۲۷۱ پست ها را زنان اشغال نموده اند و در سطح پایین تر از وزارت ۳۰٪ درصد مناصب را زنان در اختیار دارند. در سطح شهرداری ۱۶ درصد شهرداران زن هستند. در سمت های معاونت و مشاورین شهرداری ها نیز زنان ۲۱ درصد صاحبان مناصبان را تشکیل می دهند.^(۲)

از میان زنان سیاستمدار امریکا خانم مادلین آلبرت و کاندولیزاریس از قدرت و اهمیت بیش تری برخوردار بوده اند. این دو زن در شرایطی که امریکا در سطح نظام بین الملل با پیچیدگی های بسیاری روبه رو بود، عهده دار حساس ترین پست کابینه، یعنی وزارت خارجه امریکا بوده اند. نگاهی به پیشینه فعالیت های این دوران نشان می دهد زنان برای رسیدن به قدرت و تاثیر گذاری بر تصمیم های نظام سیاسی چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی نیازمند آگاهی، تخصص، تلاش و حضوری مستمر در صحنه اجتماع و سیاست دارند.

روزنامه نیویورک تایمز در معرفی خانم آلبرایت می نویسد: کار سخت تر، سرسختی بیش تر و اندکی تفریح، اصول زندگی مادلین آلبرایت نخستین وزیر خارجه زن تاریخ امریکا در کار و زندگی است.

به طور خلاصه در مورد زندگی آلبرایت می توان گفت: او دختر یک خانواده مهاجر چک بوده که به امریکا آمده بودند. در کالج بورسیه شده و ادامه تحصیل داده است تا این که با یک روزنامه نگار خوش تیپ و خانواده دار، ثروتمند و با استعداد ازدواج می کند. حاصل این ازدواج سه دختر است. وقتی همسرش او را ترک می کند و به سراغ زن دیگری می رود، آلبرایت هم خود را وقف تدریس و سیاست

می کند و به اولین وزیر خارجه زن امریکا تبدیل می شود. او علی رغم آن که هم چون یک کاتولیک بزرگ شده است اما اصلیت یهودی دارد و سه تن از چهار جدش در اردوگاه های کار اجباری کشته شده اند.^(۳)

از نظر آلبرایت زندگی او اتفاقی پیش آمده است. آلبرایت معتقد است که اگر متأهل بود هیچ گاه به چنین پست عالی رتبه ای نمی رسید. خبرنگار روزنامه الشرق الاوسط در مصاحبه ای با خانم آلبرایت از وی پرسید:

- شما به عنوان یک زن مقتدر از شوهر خود طلاق گرفته اید و کاندولیزاریس نیز یکی دیگر از زنان مقتدر سیاسی امریکاست و وی نیز از دواج نکرده است. آیا این شاخص را می توان یکی از عوامل موفقیت شما در زمینه سیاست دانست؟

آلبرایت در پاسخ گفت: "آری، به اعتقاد من چنین است زیرا کار سیاسی زنان و مردان مشخصی را می طلبد و باید درباره موقعیت خودم بگویم در صورتی که تاکنون زندگی زناشویی مشترکی برخوردار بودم نمی توانستم وزیر امور خارجه امریکا شوم، اما به هر حال من معتقدم یک زن می تواند هم پست سیاسی و اجتماعی داشته باشد و هم زندگی زناشویی مشترک."

البته ازدواج برای او بسیار با اهمیت بوده و این را در کتاب خاطرات خود نیز اعتراف می کند و می گوید اگر می توانست شوهرش را متقاعد به ماندن کند دیگر به فکر چنین شغل و مناصبی نمی افتاد. جدایی برای او وحشت آور بوده است.

آلبرایت در جایی از کتاب خاطراتش می نویسد که شوهرش به او گفته اگر جایزه پولیتزر را ببرد، او را ترک نمی کند، و این جایزه را نبرده است و به همین دلیل همسرش را ترک کرده است. ماجرای خیانت شوهر آلبرایت به او موجب نشد که او بیل کلینتون را بعد از فاش شدن ماجرای مونیکا لووینسکی ترک کند.

او درباره روزی که کلینتون اعضای کابینه اش را فرا خواند تا به آن ها درباره گمراه کردن نشان در خصوص ماجرای لووینسکی توضیح دهد می گوید: "به نظر من لازم نبود که دولت نقش یک پیشوای روحانی را داشته باشد. من از تجربه شخصی خودم آموخته بودم که در این شرایط متعجب نشوم."

کتاب خاطرات آلبرایت با همراهی بیل وودوارد یکی از نویسندگان نطق های آلبرایت تدوین و با نام "مادام وزیر" چاپ شده است. خانم آلبرایت در حال حاضر استاد دانشگاه جورج تاون است. وی هم چنین ریاست اداری مجلس انجمن ملی دمکرات ها را نیز بر عهده دارد. خود او در مورد برنامه هایش می گوید: "وقت من بسیار پر است، علاوه بر سمت هایی که دارم، سخنرانی ها و مشاوره های متعددی نیز دارم."

● زن دیگری که انتخاب او به عنوان وزیر امور خارجه در امریکا به خاطر ویژگی هایش سر و صدای بیش تری به پا کرد خانم کاندولیزاریس بود. اهمیت این انتصاب از آنجا معلوم می شود که وی در حالی سکان وزارت خارجه را از کالین پاول تحویل گرفت که امریکا نیازمند وزیر

○ قانون اساسی امریکا
در مبحث رای دادن اشاره ای به جنسیت نکرده است ولی عملاً در سال ۱۹۲۰ پس از جنگ جهانی اول بود که زنان آمریکایی توانستند در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند.

خارجه ای بود که از توانمندی وسیع برخوردار باشد چرا که معضلاتی که امریکا با آن روبه رو بود بسیار پیچیده و تا حد زیادی جدید به نظر می رسید. امریکا تصمیم به تغییر جغرافیایی ذهنی، ارزشی، مادی و انسانی در خاورمیانه گرفته بود و عملیات حمله به عراق در همین راستا شکل گرفته بود. این سیاستی نوین و فاقد الگوهای تاریخی برای مدیریت منابع، کاستی ها و فرصت ها بود.^(۳)

بسیاری از مراکز اطلاع رسانی و بنگاه های خبری پس از انتصاب کاندولیزاریس به مقام وزیر خارجه امریکا در تشریح شخصیت وی، او را دختری به ظاهر آرام، صورتی کاملاً سیه چرده و همیشه به لحاظ فیزیکی ثابت که به شیوه خود کت و دامن می پوشد. با صدای کاملاً رسا و با جسارتی بی مانند معرفی کردند. کسی که تا ساعتی قبل از او به عنوان مشاور امنیت کاخ سفید نام برده می شد.

کاندولیزاریس به زبان ایتالیایی به معنی "موسیقی دلنشین و آرام" می باشد. آیا نام می تواند در شکل گیری شخصیت کسی مؤثر باشد؟

این مسئله در مورد رایش صدق می کند چون وی بسیار خوب ارگ می نوازد.

کاندولیزاریس که دوستان نزدیکش او را "کاندی" خطاب می کنند در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۵۴ در منطقه جدا شده تیتوسویل بیرمنگهام در آلاباما از پدر و مادری سیاه پوست دیده به جهان گشود و در همان منطقه محصور در بین طبقات میانی در منطقه سیاه پوستان رشد کرد. پدر و مادرش هر دو اهل موسیقی و تحصیل کرده بودند، مادرش آنجلنا رایش معلم موسیقی و علوم در مدرسه سیاه پوستان بود، پدرش عالیجناب جان رایش، کشیش کلیسای رزبیتاری وست مینستر در بیرمنگهام و هر دو استاد دانشگاه بودند. آن ها بعد از طی یک دوره موسیقی نام کاندولیزا کان دالچرا که در ایتالیایی به معنی موسیقی آرام و دلنواز است، گذاشتند.

وی در محیطی مملو از تنفر نژادی از سیاهان رشد کرد، این مسئله روح او را بسیار حساس نمود. رایش گفته است: "پدر و مادرم من را کاملاً متقاعد کرده بودند که به هیچ وجه امکان ندارد که در فروشگاه های وولورتز بتوانم ساندویچ همبرگر بخورم." وی نه ساله بود که یکی از همکلاسی هایش به نام دنیس مک نیز در یک بمب گذاری سفید پوستان نژاد پرست کشته شد. همین امر عزم او را برای مبارزه با تبعیض نژادی راسخ نمود.

پدرش همیشه با اشاره به هوش و درایت

رایش می گفت که لیزای من رئیس جمهور امریکا خواهد شد. در آن زمان سخن وی به عنوان گزاره گوئی های یک کشیش سیاه پوست تلقی شد.

رایش کودکیش را از سه سالگی با درس های پیانو آغاز کرد و این سال ها را با باله، پاتیناژ و با کلاس های فرانسه، اسپانیایی و تماشای فوتبال پر نمود در حالی که وی با آموزش پیانو برای برگزاری کنسرت مشغول بود.

در سن ۱۵ سالگی از دبیرستان فارغ التحصیل شد. در این زمان ژوزف کوریل، پدر مادلین آلبرایت، کاندولیزا را معتقد کرد که فکر نواختن پیانو و اجرای آن در کنسرت های موسیقی را از سر بیرون کند و درس خود را در رشته روابط بین الملل ادامه دهد. وی پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان در دانشگاه دنور ثبت نام کرد. لیسانس خود را در سن ۱۹ سالگی در رشته علوم سیاسی در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه دنور، فوق لیسانس خود را در سال ۱۹۷۵ از دانشگاه نوتردام و دکترای خود را در سال ۱۹۸۱ یعنی در سال ۲۷ سالگی از دانشگاه مطالعات بین الملل دانشگاه دنور به دست آورد و دکترای افتخاری را نیز در سال ۱۹۹۱ از کالج مورهای دانشگاه آلاباما دریافت کرد.

وی پس از به دست آوردن دکترای خود به عنوان جوان ترین استادیار علوم سیاسی در دانشگاه ستنفورد مشغول به کار شد از دیگر پست های دانشگاهی وی می توان به استادیاری علوم و هنر امریکا، استاد دانشگاه آلاباما در سال ۱۹۹۴، استاد دانشگاه حقوقی می سی سی پی در سال ۲۰۰۳، استاد دانشگاه دولتی لوئیزیلا و میشیگان در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد.

رایش علاوه بر پست های سیاسی مانند بسیاری از جمهوری خواهان دارای پست های بازرگانی و نفتی نیز بوده است که عبارتند از:^(۵)

- در ۷ می ۱۹۹۱ به عنوان مدیر شرکت نفتی شورون انتخاب شد (شورون نام کاندولیزاریس را روی بزرگترین نفت کش خود که ۱۳۶ هزار تنی بود گذاشته بود).

- رئیس هیئت مدیره سن فرانسیسکو

سمفونی

- عضو هیئت مدیره هیولت پاکارد

- مشاور شورای بین الملل جی پی مورگان

- عضو مؤسس نیو جیزاشن سنتر

- عضو صندوق حمایت از آموزش در مدارس "East Palo Alto" و "East Menlo Park"

- معاون باشگاه دختران و پسران در ناحیه سن فرانسیسکو

- همکاری با شرکت های "ترنس امریکا کورپورشن" و "کارنگی"

رایش هم چنین دارای پست های سیاسی گوناگون بوده است که عبارتند از:

- در سال ۱۹۷۷ کارآموز وزارت خارجه امریکا بود.

- در سال ۱۹۸۰ کارآموز مؤسسه رند.

- در سال ۱۹۸۲ وارد حزب جمهوریخواه شد.

- در سال ۱۹۸۶ وارد شورای روابط خارجی دولت ریگان شد.

- در سال ۱۹۸۹ کارمند شورای امنیت ملی در زمان جورج بوش پدر مقتدر شد. (بوش در هنگام معرفی رایش به گورباچف گفت که "این کاندولیزاریس است هر چیزی که من درباره شوروی می دانم او به من می گوید.")

- در سال ۱۹۹۱ به عنوان عضو هیئت امنای مؤسسه رند منصوب گردید و تا سال ۱۹۹۷ در آنجا خدمت کرد.

- استاد ارشد مؤسسه هوور در اول ژولای ۱۹۹۹.

- مشاور امنیت ملی جورج واکر بوش در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۱.

- کارمند شورای امنیت ملی امریکا، مدیر و مدیر ارشد امور اروپای شرقی و شوروی، معاون ویژه امنیت ملی در امور مشورتی ۱۹۹۱-۱۹۸۹.

- مشاور امنیت ملی امریکا (۲۰۰۴-۲۰۰۰) به عنوان جوان ترین و اولین زن مشاور امنیت ملی امریکا.

رایش را می توان سایه بوش پدر و دایه بوش پسر خواند زیرا بعد از انتخاب بوش پسر به ریاست جمهوری، وی به درخواست پدرش موظف به بهره مندی از مشاوره رایش شد.

بوش نیز وی را چنین توصیف می کند: "دکتر رایش نه تنها یک شخصیت برجسته است بلکه دارای تجربه نیز می باشد. وی مدیر خوبی است و من به قضاوت او اطمینان دارم، امریکا متوجه خواهد شد که او یک شخصیت با خرد است و من به خاطر ملحق شدن او به دولت افتخار می کنم."^(۶)

بوش به رایش، دیک چنی و پل ولفوویتز لقب Vulcans یا به زبان روم باستان خداوندان آتش و آهنگری داده است.

رایش را قدرتمندترین زن دنیا و اسلحه پنهان

○ جورج بوش پدر
در هنگام معرفی رایش
به گورباچف گفت: «این کاندولیزا
رایش است. هر چیزی
که من درباره شوروی می دانم
او به من می گوید.»



اتمی با این کشور جوش داد. کارکنان وزارت خارجه، رایس را "چکش مخملی" نامیده اند. فیلیپ زیلیکوف ریزن وزارت خارجه و مشاور رایس می گوید: "یکی از هدایای او این است که بدون ایجاد تقابل او می داند چگونه با دولت های خارجی مستقیم و پوست کنده صحبت کند. وی خیلی قاطع، مصمم است و در عین حال رفتارش به گونه ای نیست که باعث خشم و مخالفت خارجی شود."

برخلاف پاول، خانم رایس بیش از یک سوم زمان خود را در سفر و با هواپیمای نیروی هوایی پرواز می کند. ژان دیوید لیویت سفیر فرانسه در آمریکا در رابطه با سخنرانی رایس در پاریس می گوید: "وقتی که خانم رایس سخنرانی خود پیرامون روابط اروپا و آمریکا را در پاریس انجام داد، واقعاً جو عمومی و مطبوعاتی را نسبت به دولت بوش تغییر داد و این نقطه عطف بود. به احتمال زیاد او قدرتمندترین وزیر خارجه آمریکا در چند دهه گذشته است."

این همه نشان می دهد که زنان جز در سایه تلاش و پشت کار نمی توانند تخصص لازم برای مشارکتی موفق را به دست آورند. البته در کنار عوامل شخصی در سطح کلان عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیز در مشارکت یا عدم مشارکت زنان نقش مهمی دارند. در جامعه ای که حتی مردان فرصت برابر برای مشارکت را ندارند و چارچوب بسته دولت اجازه ورود به غیر خودی ها را نمی دهد، شاید چشم انداز مشارکت زنان ناامیدکننده باشد اما این دلیلی برای سکوت نیست.

منابع:

- ۱- پریچر شاهسون، بررسی مقایسه ای مشارکت زنان در امور مدنی و سیاسی کشورهای مختلف، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۷، فروردین اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۱۶۱-۱۶۰

- 2- <http://www.hamshahri.net/hamnews/1382/820726/world/siasatw.hm>
- 3- <http://www.shaghnewspaper.com/830511/europe.htm>
- 4- <http://www.shaghnewspaper.com/830902/htm2/europe.htm>
- 5- <http://mehrnews.ir/fa/newsprint.aspx?newsid=150028>
- 6- <http://ep3010n.blogspot.com/2004-11-01-ep3010n-archive.htm1>
- 7- <http://mehrnews.ir/fa/newsprint.aspx?newsid=150028>
- 8- <http://www.iraninstitute.com/1384/840516/htm1/diplomatic.htm>

مورد توجه مقامات دو کشور حاضر در جلسه قرار گرفت. ۶ ماه بعد او کاملاً بر وزارت خارجه اشراف پیدا کرد. رایس بر خلاف دوران پاول در اکثر مبارزات بر وزارت دفاع فائق می آید. وزارت دفاع که زمانی بیکه تاز بود و هنوز سنگینی آن احساس می شود. اگر چه نظر مشورت کارکنان کاخ سفید گرفته می شود ولی رایس چارچوب مشخصی برای دستگاه دیپلماسی در دومین دوره دولت جرج بوش طراحی کرده است. رایس در کوتاه مدت، بدون این که از چارچوب اصول کلی خارج می شود، با پیروزی از تز "آرمان گرایی عملی" تمایل خود را در به کارگیری تاکتیک ها برای برطرف کردن نگرانی های متحدین نشان داد. او همچنین با در پیش گرفتن دیپلماسی شخصی بیشترین رکورد های سفرهای خارجی را بر جای گذاشت.^(۸)

رایس با جدیت خود موضوعاتی که قبلاً به بن بست رسیده بودند را دوباره به جریان انداخته است. دوباره کره شمالی، رایس علناً با به رسمیت شناختن حاکمیت کره شمالی، دولت سرسخت پیونگ یانگ را به پشت میزهای مذاکره خلع سلاح بر گرداند و به دستیار ارشد خاور نزدیک خود قدرت داد تا به دفعات با مقامات کره ای به طور خصوصی دیدار داشته باشد، کاری که در زمان پاول تابو بود. رایس برای تحکیم روابط با هند، یک معامله

○ **زنان جز در سایه تلاش و پشت کار نمی توانند تخصص لازم برای مشارکتی موفق را به دست آورند. البته در کنار عوامل شخصی در سطح کلان عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیز در مشارکت یا عدم مشارکت زنان نقش مهمی دارند.**

بوش می خوانند. وی روزانه ۱۴ ساعت کار می کند و معتقد به برخورد قاطع با دشمنان آمریکا می باشد. رایس در سن ۵۰ سالگی گرچه مجرد است اما در زندگی سیاسی سخت گیر و در عین حال محتاط، سیاست خارجی آمریکا را پیش می برد. وی اولین زن و دومین سیاه پوست بعد از کالین پاول که به عنوان مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا خدمت کرده است و به لحاظ سیاسی تحت تأثیر نشو محافظ کارانه است. وی یک مسیحی متعهد است که با شجاعت در مورد دلبستگی اش با خدا صحبت می کند.

وی می گوید: "من وقتی در مورد چیزی نگران می شوم تدابیری می اندیشم و اقدامی می کنم و سپس به خدا توکل می کنم و خدا هرگز مرا مایوس نکرده است." موسیقیدانی متبحر، تحصیل کرده ای موفق، سیاستمداری حاذق و سرسخت نمونه ای از توانائی های خانم رایس است. وی در سال ۲۰۰۲ پایویوما (yo-yo-ma) بزرگترین ویالین زن فرانسوی چینی تبار در واشنگتن کنسرتی اجرا کرد. آنتونیافیلکس در بیوگرافی که از وی ارائه می دهد او را با وقار، جداب، بسیار صادق، شدیداً مذهبی و علاقمند به موسیقی و فوتبال معرفی می کند. وی در حال حاضر در واشنگتن دی سی اقامت دارد.^(۹)

اما در توانائی های حرفه ای خانم رایس روزنامه واشنگتن پست می نویسد:

"سه هفته بعد از استقرار در وزارت خارجه، "کاندولیزا رایس" نشان داد که دستگاه دیپلماسی آمریکا را در کنترل دارد و آن زمان بود که او به "دونالد رامسفلد" وزیران دفاع و خارجه ژاپن را به حضور پذیرفت. در این دیدار، هنگامی که رامسفلد خواست سخن را آغاز کند، رایس خیلی محترمانه سخن او را قطع کرد و هدایت جلسه را به عهده گرفت و این قاطعیت رایس به وضوح